

تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

ریحانه طهماسبی کهیانی

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می باشد. به عبارت دیگر در این مقاله علمی سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا بالا بودن کیفیت حسابرسی میتواند اعتباربخشی به صورت های مالی را افزایش دهد مدیریت سود برآیند درجه ای از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی شرکت استفاده کنند. به طور خاص آن ها می توانند زمان و فعالیت های واقعی در سراسر دوره حسابداری را به گونه ای تغییر دهند که به یک هدف درامدی خاصی دست پیدا کنند.

۳۳۷



واژگان کلیدی: کیفیت حسابرسی، مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی

غیراختیاری

بخش اول: کلیات

یکی از اقلام صورت‌های مالی که به عنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی قراردادده می‌شود، گزارشگری سود می‌باشد. محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق برآورد و پیش‌بینی و همچنین اعمال روش‌هایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا و استهلاك سرفق‌لی و هزینه‌های جاری یا سرمایه‌ای، تلقی کردن هزینه تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران می‌توانند از طریق اعمال سود آنها را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت انتظاری رود به گونه‌ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت، دریافت پاداش و... مدیریت واحد انتفاعی، خواسته یا ناخواسته، ممکن است با دستکاری سود وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی، ممکن است سود واقعی با سود گزارش شده در صورت‌های مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ دهد. یک تعریف متداول از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو (۱۹۸۱)^۱ تحت عنوان ارزیابی (استنباط) بازار ارائه شده است. "ارزیابی استنباط" بازار در واقع عبارتند از: احتمال اینکه حسابرس هم (۱) تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند. (۲) احتمال اینکه حسابرسی موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۵). کیفیت که تعیین‌کننده عملکرد حسابرسی است تابع عوامل متعددی از قبیل: توانایی‌های حسابرس شامل (دانش تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای حرفه‌ای (شامل استقلال عینیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) است (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳). مطالعات گذشته حاکی از آن است که مدیریت سود می‌تواند اثرات بااهمیتی بر عملکرد شرکت به خصوص در بلندمدت بگذارد، از این روممکن است این اثر بر هزینه سرمایه شرکت نیز موثر باشد به طوری که با اداره کردن سود از طرف مدیریت، عملکرد بلندمدت شرکت کاهش یافته و به تبع آن هزینه سرمایه زیاد شود. هدف از این مقاله تاثیر کیفیت حسابرسی بر درآمد تعهدی

^۱DeAngelo

و واقعی است. "تصمیم گیری و قضاوت در مناسبترین شیوه سرمایه گذاری با هدف پیشینه سازی ثروت سهامداران" از جمله موضوعات بسیار مهم در حوزه مدیریت مالی است، برای دستیابی به هدف فوق، افزایش عایدات حاصل از سرمایه گذاری ها و کمینه نمودن سرمایه دور مناسب به حساب می آید، بر همین اساس اطلاع از نحوه کیفیت حسابرسی در تصمیمات شرکتی نقش اساسی داشته است و دستیابی به عملکرد حسابرسی در تعیین ترکیب بهینه مالی شرکت و کسب بهترین نتایج عملیات صورت گرفته است. تئوری ها و شواهد نشان نشان می دهد که ارزیابی مدیران در مورد عملکرد شرکت در آنها انگیزه برای مدیریت سود در دوره جاری ایجاد می کند (استین، ۱۹۸۹، فودنبرگ و تیروول، ۱۹۹۵، پاولس و همکاران ۲۰۰۴، گراهام و همکاران ۲۰۰۵ و رودریگوئز پرز و ون همن ۲۰۱۰^۵)، این امر حاصل بدینی مدیریتی است، زیرا سرمایه گذاران، تحلیل گران برون سازمانی به سود دوره جاری اتکا می کنند. از آن جایی که به طور معمول مدیران پاداش خود را بر اساس قراردادهای مبتنی بر سود شرکت دریافت می کنند، این انگیزه در آنها به وجود می آید که سود دوره جاری را مدیریت کرده و افزایش دهند و به اصطلاح از درآمد و سود دوره های آینده قرض گرفته و به دوره جاری انتقال دهد. سودهای گزارش شده در دوره جاری می تواند به دوروش مدیریت شود: نخست اینکه مدیران می توانند سودهای گزارش شده را از راه انتخاب اقلام تعهدی اختیاری که توسط اصول پذیرفته شده حسابداری^۶ اجازه داده شده، مدیریت کنند. مدیریت سودهای مبتنی بر اقلام تعهدی^۷ به طور معمول در اوایل دوره حسابداری و بعد از تکمیل بسیاری از فعالیت های عملیاتی واقعی رخ می دهد. در حالی که این مورد به طور مستقیم میزان اقلام تعهدی حسابداری را تحت تاثیر قرار می دهد، مدیریت سود تعهدی هیچ تاثیر مستقیمی بر جریان های نقدی نخواهد گذاشت. (۲) دوم آنکه مدیران همچنین می توانند سودهای گزارش شده را از راه تعریف فعالیت های واقعی مدیریت کنند. به طور خاص آنها می توانند زمان



¹Stein

²Fudenburg & Tirole

³Pauwels et al

⁴Graham et al

⁵Rodriguez-perez & Van Hemmen

⁶GAAP

⁷ Accrual earning management

ومیزان فعالیت های واقعی مانند تولید، فروش، سرمایه گذاری و فعالیت های تامین مالی در سراسر دوره حسابداری را گونه ای تغییر دهند که به هدف درآمدی خاص دست پیدا کنند. در مقاله کیفیت حسابداری مدیریت واقعی و تعهدی در برابر IPOS در انگلستان به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابداری و مقایسه سود پرداخته و با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابداری شده به عنوان حسابرسی با کیفیت و مقایسه سود این ۴ شرکت پرداخته است. در سایر شرکت هایی که توسط غیر این چهار شرکت حسابداری شده اند قبل و بعد از عرضه عمومی سهام در انگلستان پرداخته اند و نتیجه حاکی از این بود که اولاً در چنین شرکت هایی مدیریت سود روی داده است و ثانیاً بین مدیریت سود و کیفیت حسابداری ارتباط معنی داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابداری موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت ها شده است. با توجه به موارد مطرح شده در بالا هدف این مقاله، بررسی ارتباط بین مدیریت سود و کیفیت حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا بالا بودن کیفیت حسابداری تأثیری بر مدیریت سود واقعی و تعهدی دارد یا خیر؟ نهایتاً در رابطه با فرضیه های مطرحه این مقاله می توان به دو فرضیه زیر اشاره داشت:

۱- کیفیت حسابداری بر مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی تأثیر دارد.

۲- کیفیت حسابداری بر مدیریت سود واقعی تأثیر دارد.

بند اول: اهداف گزارشگری مالی و مفاهیم بنیادی حسابداری

نقش اصلی گزارشگری مالی انتقال اثر بخشی اطلاعات مالی به افراد برون سازمان به روش معتبر و به موقع است. در بیانیه مفاهیم شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی هدف از گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم گیران اقتصادی و تجاری عنوان شده است. یکی از ابزارهای ارائه اطلاعات مفید توسط مدیران، برای استفاده کنندگانی که نمی توانند مستقیماً بر رویدادهای شرکت نظارت کنند، صورت های مالی حسابداری است. به عبارت دیگر برای این اشخاص، اطلاعات حسابداری منتشر شده، چیزی جز جانشین برای پدیده های واقعی نیست. همچنین در تحقیقات بسیاری، نقش صورت های مالی حسابداری بعنوان یکی از ابزارهای مهمی که تأثیر زیادی بر تصمیمات استفاده کنندگان دارد، به اثبات رسیده است. دانش حسابداری



چیست؟ حسابرسی فرایندی است منظم و با قاعده جهت جمع آوری و ارزیابی بیطرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت ها و وقایع اقتصادی. به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذی نفع است (نیکخواه، آزاد ۱۳۷۷).

بند دوم: تاثیر حسابرسی بر ویژگی های کیفی اطلاعات

ارزش حسابرسی ارزش مستقل (مطلق) نیست و تابع ارزش اطلاعات حسابداری گزارش شده است و اینکه اطلاعات حسابداری برای چه مصارفی مورد بهره برداری قرار میگیرد. ارزش افزوده (مضاعف) حسابرسی متشکل از دو بعد است: بعد کنترلی و بعد اعتبار بخشی. شرکت هایی که صورت های مالی حسابرسی شده ارائه می کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. از دیدگاه کنترلی، به دو دلیل حسابرسی به عنوان عاملی مستقل بر کیفیت اطلاعات نظارت دارد. دلیل اول آنکه بررسی مستقل میزان تطابق اطلاعات حسابداری با معیار های از قبل تعیین شده که این معیار ها احتمالا منعکس کننده نیاز و خواست استفاده کنندگان اطلاعات است. دلیل دوم آنکه ایجاد انگیزه برای تهیه کنندگان جهت تولید اطلاعات در چهارچوب معیارهای از قبل تعیین شده، زیرا تهیه کننده میداند که مورد حسابرسی قرار خواهد گرفت. از دیدگاه اعتبار بخشی، حسابرسی بر اعتبار اطلاعات می افزاید زیرا استفاده کنندگان میتوانند مطمئن باشند که عوامل کنترلی پیش گفته بر فرآیند گزارشگری حاکم و باعث بهبود کیفیت اطلاعات شده است. ارزش اطلاعات حسابداری در نهایت تابع استفاده از اطلاعات است، نه تهیه و گزارش آن. به طور خلاصه، حسابرسی مشکلات اعتباردهی ناشی از تضاد منافع را کاهش می دهد (نیکخواه، آزاد ۱۳۷۷). در سال های اخیر تقاضای جدی برای گسترش ارائه خدمات حسابرسی به سایر موضوعات مورد علاقه استفاده کنندگان ایجاد شده و نیاز به بررسی و تایید اطلاعات اقتصادی به شدت در حال افزایش است. حرفه حسابرسی بر اساس تاریخچه خود، اجباری به محدود کردن دامنه فعالیت خود، به شهادت دهی درباره صورت های مالی ندارد. به دلیل این تصور که حسابرسان تنها در زمینه بررسی و تایید اطلاعات اقتصادی تخصص دارند، مسئولیت حسابرسی در گذشته محدود به تایید این گونه فعالیت ها بوده است. هنوز پاسخ قاطعی به این سوال که آیا فعالیت های حسابرسی فقط باید محدود به موضوعات مالی باشد یا می تواند سایر



موضوعات را هم در بر گیرد در دست نیست. لیکن پیش نیاز حسابرسی در قالب (گواهی دهی) وجود اجماع در خصوص معیارهای ارزیابی می باشد.

بند سوم: تعاریف و مفاهیم مدیریت سود

یکی از اقلام صورت های مالی که بعنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه قرار میگیرد، گزارشگری سود می باشد. اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روش ها و برآورد های حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق برآورد و پیش بینی و همچنین اعمال روش هائی نظیر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرفعلی، هزینه های جاری سرمایه ای تلقی کردن هزینه های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران میتوانند از طریق اعمال آنها سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیش تر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می رود به گونه ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند، از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و... مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت های مالی مغایرت داشته و رویدادهای تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است (مجتهد زاده و آقای، ۱۳۸۳). در ادبیات حسابداری ارائه تعریف درستی از مدیریت سود دشوار است. زیرا مرز بین مدیریت سود (هموارسازی سود) و تقلب های مالی را نمی توان به روشنی تبیین نمود. نقش اصلی گزارشگری مالی انتقال اثر بخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روش معتبر و به موقع است. برای انجام این مهم مدیران از فرصت هایی برای اعمال قضاوت در گزارشگری مالی برخوردار شده اند. البته مدیران می توانند درباره فعالیت های تجاری برای بهبود اثر بخش صورت های مالی بعنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بالقوه استفاده نمایند. با این حال چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت های مالی (درون سازمانی و برون سازمانی) از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزینش های حسابداری در گزارش های مالی، انگیزه هایی داشته باشند احتمال می رود سود رخ دهد. در بیانیه مفاهیم شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی

هدف از گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم گیران اقتصادی و تجاری عنوان شده است. یکی از ابزارهای ارائه اطلاعات مفید توسط مدیران، برای استفاده کنندگانی که نمیتوانند مستقیماً بر رویدادهای شرکت نظارت کنند، صورت های مالی حسابداری است. به عبارت دیگر برای این اشخاص، اطلاعات حسابداری منتشر شده، چیزی جز جانشین برای پدیده های واقعی نیست. همچنین در تحقیقات بسیاری، نقش صورت های مالی حسابداری بعنوان یکی از ابزارهای مهمی که تاثیر زیادی بر تصمیمات استفاده کنندگان دارد، به اثبات رسیده است. یکی از اجزای صورت های مالی، سود حسابداری است که مهمترین معیار از عملکرد شرکت ها و مبنایی است برای تصمیمات سرمایه گذاری، اعتباردهی و سنجش عملکرد مدیران و در سطح کلان معیاری از عملکرد بخش اقتصادی جامعه است که بر سیاست گذاری های خرد و کلان دولت ها تاثیر زیادی می گذارد و در نهایت میتواند موجب هدایت منابع محدود اقتصادی به سرمایه گذاری های سود آور و یا ارزش افزوده بالا گردد و با این منابع با ارزش را تباه سازد. در متون مدیریت مالی مهمترین وظیفه مدیران، حداکثر نمودن ثروت مالکان ذکر شده است که این مهم از طریق افزایش سود خالص، افزایش قیمت سهام و افزایش ریسک شرکت صورت می گیرد. اما الگوی به حداکثر رساندن ثروت مدیران به چالش کشیده می شود. این تضاد که توسط تئوری نمایندگی شرح داده می شود. بیان میدارد که مدیران سعی در حداکثر نمودن منافع خود دارند که لزوماً همسو و همسان با منافع مالکان نیست. از طرفی صاحبان سرمایه تمایل دارند سود با نرخ ثابتی رشد یابد تا اینکه مبلغ افزایش آن ثابت باشد، زیرا این امر سبب می شود نوسان های غیر عادی سود خنثی شده و انتظارات ذهنی سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه در ارتباط به سود تقسیمی و قدرت سودآوری شرکت بهبود یابد. که این مساله خود باعث کاهش ریسک شرکت، افزایش رضایت مالکان و اعتباردهندگان و در نتیجه افزایش منافع مدیران میگردد. این احتمال می رود که مدیران برای کسب رضایت مالکان و در نتیجه افزایش منافع خود از طرق مختلفی اقدام به مدیریت سود نمایند. اما همواره این نگرانی وجود داشته و دارد که مدیران فقط به فکر افزایش منافع خود باشند و در این میان توجهی به منافع مالکان و سایر صاحبان سود نمایند. به عبارت دیگر مدیران سود را به گونه ای مدیریت نمایند که منافع خود را افزایش و منافع دیگران را تباه سازند. از دیدگاههای مختلف همچون ریسک شرکت، تئوری نمایندگی و اینکه این عمل پاسخی است از طرف مدیران



به منظور افزایش امنیت شغلی، پدیده هموارسازی سود شرکت را میتوان تفسیر نمود. در ادبیات مالی یکی از معیارهای سنجش ریسک یک شرکت تغییرات در مبلغ سود آن است. از سوی دیگر سرمایه گذاران با توجه به ریسک برآوردی شرکت نرخ بازده مناسبی را مطالبه میکنند. به طوری که هرچه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران بالاتر باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس در صورتیکه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران پایین باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بر نرخ سرمایه گذاری بدون ریسک نزدیک خواهد شد. بنابراین مدیران شرکت برای پایین آوردن نرخ بازده مورد انتظار سرمایه گذاران سعی می کنند ریسک سرمایه گذاری در شرکت را کاهش دهند تا بتوانند به راحتی به منافع مورد نیاز خود دست یابند. در این راستا مدیران شرکت تلاش میکنند با هموارسازی سود تغییرات و نوسانات سود را کاهش دهند تا از این راه ریسک سرمایه گذاری در شرکت در سطح پایینتری نگه داشته شود، به بیان دیگر هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای ویژه ای در حسابداری برای کاهش از نوسانات سود انجام می گیرد. به گفته لئویولد هموارسازی سود عملی سفسطه آمیز و مودبانه است و به ندرت بر اساس دروغ آشکار انجام می گیرد. زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تغییر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می شود. به زبان ساده تر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری صورت میگیرد، در هموارسازی سود به واسطه جابه جایی هایی که در درآمدها و هزینه ها انجام میگیرد سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می شود در واقع اینگونه است که میتوان گفت هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه ای است که توسط مدیریت انجام میگیرد بنابراین هموارسازی سود از راه انتقال سود بین سالهای مختلف فعالیت شرکت صورت می گیرد. به طوری که در سالهایی که سود بسیار بالا است مدیران از راه به کارگیری برخی رویه های حسابداری شناسایی سود را به تعویق می اندازند. و تلاش می کنند این سودهای شناسایی نشده را در سالهایی که سود پایین است شناسایی کنند به این ترتیب دامنه تغییرات سود در سال های مختلف کاهش می یابد و به اصطلاح سود شرکت هموار می شود برای مثال مدیریت شرکت لاستیک فابر استون در سال ۱۹۷۰ میلادی تلاش نمود درآمدهای شرکت را در یک حساب پنهان کاری نماید تا باین عمل بتواند در سال هایی که سودآوری شرکت کاهش میابد از آن استفاده



کند. در فرهنگ حسابداری کلهر تعریف هموارسازی سود به اینگونه ارائه شده است. هر شیوه طراحی شده به منظور حذف بی‌نظمی داده‌ها همانند پستی و بلندی‌های غیر معمول در منحنی سود که می‌تواند نتیجه شرایط غیر مستقیم عملیاتی باشد. هموارسازی سود را به شرح زیر تعریف کردند: هموارسازی سود عبارتند از کاستن عمومی از نوسانات سود که به نظر می‌رسد برای شرکت عاری باشد به عقیده آنان مدیران برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده و افزایش پیش‌بینی درست جریان وجوه نقد آتی توسط سرمایه‌گذاران برای هموارسازی سود گام بر می‌دارند و انتظار می‌رود این عمل تاثیر مثبتی بر ارزش سهام و عملکرد مدیریت داشته باشد برخی نیز با دیدی بدبینانه تر به هموارسازی سود نگاه می‌کنند برای مثال هکتور (۱۹۷۵) اظهار می‌دارد: هموارسازی سود عملی است که باعث سوء استفاده در گزارشگری مالی شده و استفاده کنندگان از صورت‌های مالی به این امر واقف و آگاه باشند. مک‌هایک (۱۹۷۶) هموارسازی سود را نوعی دست‌کاری در صورت‌های مالی می‌داند. ورثی (۱۹۷۶) در این باره چنین گفته است: هموارسازی سود عملی است که می‌تواند باعث افشای نادرست اطلاعات مالی گردد. به بیان دیگر اگر هموارسازی سود انجام گیرد سرمایه‌گذاران اطلاعات صحیح و درستی به منظور ارزیابی بازده و انحراف پرتفوی نخواهد داشت. مدیران از راه هموارسازی سود اطلاعات شخصی خود را در مورد سودآوری آتی به بازار منتقل می‌کنند.

بخش دوم: هدف‌ها و انگیزه‌های مدیریت سود

کاپلاند (۱۹۶۸) توانایی نسبی در کاهش و یا افزایش سود گزارش شده توسط مدیران را به عنوان دستکاری در حساب‌ها معرفی می‌کند. عناوینی مانند (حداکثر کنندگان)، (حداقل کنندگان) و یا (هموار کنندگان)، به طور تلویحی به افرادی گفته می‌شود که به دستکاری حساب‌ها اقدام می‌کنند. البته دستکاری در حساب‌ها، حوزه وسیع‌تری را نسبت به آنچه کاپلاند بدان اشاره کرده بود در بر می‌گیرد. از جمله نحوه طبقه‌بندی اقلام در صورت سود و زیان که به دفعات در ادبیات حسابداری مطرح شده است، و یا مورد مرتبط با ترازنامه که البته کمتر بدان اشاره شده است. از سوی دیگر، انگیزه برای دستکاری سود در حساب‌ها از جمله مواردی است که نیازمند توجه بیشتری است. گاهی مدیران از حساب‌ها به عنوان ابزاری برای نمایش غیر واقعی حصول اهداف





بلند مدت شرکت و یا کاهش مصنوعی ریسک متصور، استفاده میکنند. مدیریت سود در تحقیقات دانشگاهی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. ادبیات اولیه در حوزه مدیریت سود به ازمون تاثیر گزینش های حسابداری بر بازار سرمایه پرداخته است و کانون تمرکز اصلی آن، تمایز میان دو فرضیه رقیب بوده است. فرضیه مکانیکی که در ادبیات حسابداری دهه ۶۰ میلادی رایج بوده، بیانگر این است که استفاده کنندگان صورت های مالی، منابع اطلاعاتی غیر از گزارش های مالی شرکت ها را مورد استفاده قرار نمیدهند و سرمایه گذاران صرفا بر اساس ارزش های ظاهری منعکس در اطلاعات مالی گزارش شده توسط شرکت ها تصمیمات خود را اتخاذ می کنند. رقیب فرضیه مکانیکی اصطلاحا فرضیه بازار کارا نامیده میشود. فرضیه بازار کارا پارادایم حکم فرما بر تحقیقات حسابداری مالی در دهه ۷۰ میلادی، بیانگر این است که قیمت های بازار تمام اطلاعات در دسترس را به طور کامل منعکس میکند (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶). در پاسخ به این سوال که چرا شرکت ها به تغییرات حسابداری ارایشی متوسل میشوند، واتز و زیمرمن نظریه اثباتی خود را به عنوان بدیلی برای توصیف تغییرات حسابداری ارایشی تدوین کردند. این نظریه انگیزه هایی غیر از انگیزه های مرتبط با بازار سرمایه را برای مدیریت سود توسط شرکت ها مطرح نمود. فرضیه های اصلی مطرح شده توسط واتز و زیمرمن عبارت است از فرضیه طرح پاداش، فرضیه قرارداد بدهی و فرضیه هزینه های سیاسی که در مباحث بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. تو و ونگ (۱۹۹۸) بیان میدارند، حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره های زمانی متفاوت اعطاء میکند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم گیری بر زمان تشخیص برخی اقلام از جمله هزینه های تبلیغات و مخارج تحقیق توسعه دارند. از سوی دیگر مدیران در سیستم حسابداری تعهدی، با گزینه های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمد ها نیز روبرو هستند، از جمله تشخیص سریعتر درآمد از طریق فروش های نسبه، این گونه عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان (مدیریت سود) یاد میشود. دی جورج و همکاران (۱۹۹۹) مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش بینی تحلیل گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش بینی سودهای آتی) تعریف میکنند. به نظر ایشان، در واقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه گذاران در مورد واحد تجاری است. برخی عوامل مدیران

شرکت‌ها را در برخورد با مسایل ترغیب نموده تا سود شرکت را هموار نمایند. مدیران این شرکت‌ها تلاش میکنند که از طریق هموارسازی مصنوعی سود، رشد سود آوری شرکت‌های تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند. یکی دیگر از اهداف مدیریت سود، حفظ اعتبار شرکت است، چون اعتبار شرکت باعث میشود شرکت کارا و پویا به حساب آید. کسب جایگاهی مناسب در میان رقبا و بازار سرمایه باعث میشود سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان نسبت به شرکت نظر مساعد تری داشته باشند و شرکت از صرف هزینه‌های بیشتر در رقابت با سایر شرکت‌های مشابه بی‌نیاز شود و با هزینه‌های کمتر اعتبار و وام دریافت کند. فرایند هموارسازی سود به مدیریت رده بالا و حسابداری برون سازمانی محدود نمیشود. همچنین فرض بر این است که در مورد مدیریت سطوح پایین و حسابداری درون سازمانی در شکل اختیارات و بودجه‌هایی که در اختیار مدیریت قرار دارد این اقدام به عمل آید. اسکات (۲۰۰۳) در کتاب تئوری حسابداری مالی موضوع مدیریت سود را از دو دیدگاه قراردادها و گزارشگری مالی و با تفصیل بیشتری مورد توجه قرار می‌دهد. بررسی‌ها و پژوهش‌های صورت پذیرفته توسط نامبرده منجر به این نتیجه جذاب و شگفت‌افزین شد که وجود مقدار کمی (مدیریت بر سود) میتواند (خوب و پسندیده) باشد. ممکن است برخی از مدیران از مدیریت بر سود سوء استفاده نمایند. از دیدگاه قراردادها، امکان دارد آنها از منظر فرصت‌طلبی به مدیریت برسود نگاه کنند و در نتیجه به هزینه‌های دیگر قرارداد در صدد منافع خود برآیند. اما از دیدگاه گزارشگری مالی، امکان دارد مدیر بخش عمده‌ای از دارایی‌ها را از دفاتر خارج کند و یا به ترکیب‌های دیگری از سود تاکید نماید. به هر دلیلی این موضوع روشن است که مدیر به سطر آخر صورت سود و زیان توجه زیادی می‌نماید. با این فرض که مدیر می‌تواند از میان یک مجموعه از رویه‌ها (برای مثال اصول پذیرفته شده حسابداری) یک رویه حسابداری انتخاب کند این امر طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم او رویه‌ای را انتخاب خواهد کرد که مطلوبیت مورد انتظار خود و یا ارزش بازار شرکت را به حداکثر برساند. این پدیده را مدیریت بر سود می‌نامند به عبارت دیگر مدیریت بر سود یعنی اینکه مدیر می‌تواند رویه‌ای از حسابداری را انتخاب نماید که به هدف خاصی دست یابد. هیلی (۱۹۸۵) در مقاله‌ای که بر پایه تئوری اثباتی حسابداری قرار دارد با عنوان (اثر طرح‌های پاداشی بر تصمیمات حسابداری) مشاهده می‌کند که مدیران پیش از اینکه مدیریت بر سود اعمال کند دارای اطلاعات



محرمانه در باره سود خالص شرکت هستند از آنجا که طرف های قرار داد که در خارج از سازمان قرار می گیرند (از جمله هیئت مدیره) نمی تواند درباره این عدد (سود خالص) اطلاعات دقیقی به دست می آورند. او پیش بینی می کند که مدیران از دیدگاه فرصت طلبی بر سود خالص اعمال نفوذ نمایند و بدین گونه بر اساس مفاد قرارداد حقوق و پاداش در صدد برآیند میزان پاداشها و جوایز خود را به حداکثر برسانند. بر طبق نظر اسکات علاوه بر طرح پاداش مورد نظر هیلی مدیران شرکت را به دلیل های دیگران اقدام به مدیریت سود می نمایند که به صورت گذرا به بررسی آنها می پردازیم.

بند اول: سایر انگیزه های موجود در متن قرارداد

از دیدگاه قرارداد ها از دو راه دیگر می توان به مدیریت سود نگاه کرد تحت دیدگاه رفتار فرصت طلبانه که در آن مدیر می کوشد با توجه به مفاد قراردادهای مربوط به حقوق و پاداش، بدهی (انتشار اوراق قرضه شرکت) و هزینه های سیاسی، مطلوبیت مورد نظر خود را به حداکثر برساند. همچنین ما می توانیم مدیریت بر سود را از زاویه کارایی قراردادهای (قرارداد هایی که موجب کاهش هزینه های شرکت می شوند) نگاه کنیم. به این مفهوم که هنگام تدوین قرارداد حقوق و پاداش، شرکت می داند که مفاد قرارداد موجب ایجاد انگیزه در مدیر می شود تا بر سود مدیریت (اعمال نفوذ) نماید. وام دهندگان هم در ملحوظ داشتن نرخ بهره مورد نظر از همین دیدگاه به قرارداد نگاه می کنند لذا در مورد وام های بلند مدت برای اعمال کنترل بر چنین مسئله ای مفاد قرار داد وام به گونه ای تنظیم میشود که وام دهندگان را در برابر اقدامات مدیر که بهترین منافع آنان را تامین نماید مصون می سازد. و در این قراردادهای میکوشند پرداخت سود تضمینی را محدود کنند و اجازه ندهند که شرکت وام های دیگری را بگیرد و حقوق صاحبان سهام و سرمایه در گردش نباید از سطح مشخص پایین تر رود زیرا این اقدام می تواند سطح ایمنی وام دهندگان را کاهش دهد. سرمایه در گردش نباید از سطح پایین تر رود، زیرا این اقدام میتواند سطح ایمنی وام دهندگان را کاهش دهد. شرکت های بسیار بزرگ معمولاً در معرض دید بیشتر قرار میگیرند مانند شرکت هایی که در صنعت استراژیک یا نفت گاز فعال هستند. یا شرکت هایی که حالت انحصاری یا تقریباً انحصاری دارند، مانند شرکت های هواپیمائی و تولید برق، این شرکت ها



خواستار نوعی مدیریت بر سود هستند که کمتر آنها را در معرض دید (و زبان زد) مردم قرار دهد. این انگیزه بیان کننده فرض مربوط به هزینه های سیاسی (از دیدگاه تئوری اثباتی حسابداری) می باشد. شاید از دیدگاه مدیریت بر سود انگیزه های مالیاتی بیش از سایر عوامل موجب ایجاد انگیزه در مدیر شود به هر حال، مقامات و سازمان های مالیاتی برای محاسبه مالیات بر سود رویه های خاص خود را (از دیدگاه حسابداری) اعمال میکنند و به شرکت ها اجازه آزادی عمل و مانور چندان زیادی نمیدهند. در نتیجه بطور کلی، از دیدگاه تصمیماتی که مدیریت بر سود اتخاذ میکند، مالیات نقش چندان مهمی ایفا نخواهد کرد. زمان تغییر مدیر عامل انگیزه های زیادی بوجود می آید که نوعی مدیریت بر سود اعمال شود. برای مثال اساس مفروضات طرح پاداش می توان پیش بینی کرد که چون زمان بازنشستگی مدیر عامل فرا رسد به احتمال زیادی او درصدد اجرای نوعی استراتژی برآید که سود را به حد اکثر برساند و میزان پاداش خود را افزایش دهد. به همین شیوه، شرکت هایی که مدیران عامل آنها دارای عملکرد ضعیفی بودند و مانع از این شده اند که سود خالص به حد اکثر برسد و یا کوشیده اند آن را به دوره های بعد منتقل کنند از شرکت اخراج شده اند. از سوی دیگر و با توجه به نتیجه تحقیق (دی آنجلو و همکاران، ۱۹۹۴) این مدیران عامل یک استراتژی به نام "آب از سر گذشتن" استفاده کنند و در صدد برآیند احتمال سود مثبت آینده را افزایش دهند. این انگیزه در مدیران عامل جدید شرکت ها وجود دارد، به ویژه اگر آنها بتوانند حذف بسیار اقلام را به حساب مدیران عامل پیشین بگذارند یا به عبارت دیگر گناه آن را به گردن آنها بیندازند.

بخش سوم: تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود

جنین و پیوت (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسی می تواند یکی از راه های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت هایی که صورت های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت های مدیران است و حسابرسی شرکت هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می کند. زیرا موسسه های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه های بیشتری برای کشف





اشتباه و تقلب هستند. تحقیق‌های زیادی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود را بررسی کردند. بیکر (۱۹۹۸)، فرانسیس (۱۹۹۹)، دیفاند و جیانالوو (۱۹۹۱ و ۱۹۹۳) و گور (۲۰۰۱) در تحقیق‌های خود در شرکت‌های دولتی به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی احتمال وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد. بیکر، دیفاند و جیانالوو (۱۹۹۸)، بتی و هاریس (۱۹۹۸)، بتی و پترونی (۲۰۰۲)، کاپنز و پیک (۲۰۰۵) و بورستالر و دیگران (۲۰۰۴) نیز تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که کیفیت حسابرسی با مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی رابطه‌ی معکوس دارد. نتایج تحقیق ژائو و ایلدر (۲۰۰۲) نیز نشان داد شرکت‌هایی که توسط پنج موسسه‌ی بزرگ حسابرسی رسیدگی شدند دارای مدیریت سود کمتری هستند. بانستر و ویست (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند کیفیت حسابرسی هموارسازی سود را محدود می‌کند. نتایج تحقیق گور، پاپ و ساین (۲۰۰۱) رابطه‌ی منفی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در فرایند عرضه‌ی اولیه‌ی سهام را تایید می‌کند. ایلدر و ژائو (۲۰۰۱) در تحقیق خود نتیجه گرفتند وجود کمیته‌ی حسابرسی و اندازه‌ی آن، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. چن (۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تداوم حسابرسی یک موسسه‌ی حسابرسی، استفاده از اقلام تعهدی و مدیریت سود را افزایش می‌دهد. مدیریت سود یکی از موضوع‌های پرطرفدار بین سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران و عموم کاربران صورت‌های مالی است. به گفته‌ی فیشر مدیریت سود دخالت هدفمند مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است. یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابرسی است. زیرا، شرکت‌هایی که سود را دستکاری و مدیریت می‌کنند، بیشتر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل‌شده (غیرمقبول) داشته باشند. با توجه به تحقیق‌ها و مباحث پیش‌گفته، می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت حسابرسی میزان اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد.

بخش سوم: جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری عبارتست از مجموعه‌ای از افراد، اشیاء و ... که حداقل در یک صفت مشترک باشند. جامعه بزرگترین مجموعه از موجودات است که در یک زمان معین مورد توجه قرار می‌

گیرد و حداقل دارای یک صفت مشخصه می باشد. صفت مشخصه صفتی است که بین همه عناصر جامعه آماری مشترک می باشد. جامعه باید بر حسب محتوا، حدود و زمان تعیین شود. با توجه به این که قلمرو زمانی تحقیق سال های ۸۹ الی ۹۶ می باشد بنابر این جامعه آماری شامل کلیه شرکت های دارای عرضه اولیه عمومی، پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که طی این سال ها در بورس اوراق بهادار حضور داشتند، می باشد. نمونه عبارتست از مجموعه ای از نشانه ها که از یک گروه یا جامعه ای بزرگتر انتخاب می شود. به طوری که این مجموعه معرف ویژگیهای آن گروه یا جامعه بزرگتر باشد. در این مقاله برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. همانگونه که قبلا ذکر شد، به منظور انتخاب نمونه آماری، شرکت هایی که دارای ویژگی های زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف گردیدند: جامعه مورد مطالعه شامل تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند.

نمونه ها باید شرایط زیر را داشته باشند:

-شرکتهای قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس پذیرفته باشند.

-سال مالی این شرکتهای پایانی اسفند هر سال باشد و طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.

طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچ گونه توقف فعالیت نداشته و حداقل هر ۶ ماه سهام آن در بورس معامله شده باشد.

-شرکت هایی انتخاب شدند که اطلاعات آنها برای سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ از سایت بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال در دسترس باشد.

جدول ۱-۱ نمونه انتخابی

۳۱۳	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در طی دوره مورد بررسی
-----	---



	کسر می شود:
۵۸	تعداد شرکت‌هایی که، قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس پذیرفته نشدند.
۶۴	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نیست و یا طی دوره پژوهش تغییر داده باشند
۴۱	تعداد شرکت‌هایی که طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچ‌گونه توقف فعالیت نداشته و حداقل هر ۶ ماه سهام آن در بورس معامله شده باشد.
۵۰	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس نیست
۱۰۰	تعداد شرکت‌های نمونه

بند اول: قلمرو موضوعی این مقاله

قلمرو موضوعی، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در حوزه حسابداری مالی باشد.

قلمرو مکانی: قلمرو مکانی تحقیق، بازار سرمایه کشور مشخصاً بورس اوراق بهادار تهران می باشد. که بر این اساس داده های مورد نیاز از گزارش های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار استخراج و دسته بندی شده است.

قلمرو زمانی: قلمرو زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۶ می باشد.

نتیجه گیری

هدف از انجام مقاله، بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. یافته‌های علمی این مقاله نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین مدیریت سود واقعی (تعهدی)، و کیفیت حسابرسی وجود دارد. جهت آزمون فرضیه

اول که می‌گویند بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معنی‌داری وجود دارد، در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از مدل پانل دیتا استفاده شده است. نتایج این آزمون Z نشان می‌دهد که به دلیل اینکه سطح خطای آن برای متغیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی از ۵ درصد کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که، بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵-۱: نتیجه‌گیری کلی

نتیجه	شرح	فرضیه
رد H_0	بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معنی - داری وجود دارد.	فرضیه اول

جهت آزمون فرضیه دوم که می‌گویند بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، در این فرضیه به علت معنی‌داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از مدل پانل دیتا استفاده شده است. نتایج این آزمون Z نشان می‌دهد که به دلیل اینکه سطح خطای آن برای متغیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی از ۵ درصد کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که، بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام واقعی رابطه معنی - داری وجود دارد.

جدول ۵-۲: نتیجه‌گیری کلی

نتیجه	شرح	فرضیه
رد H_0	بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.	فرضیه دوم



۳-۵ پیشنهادها

۱-۳-۵ پیشنهادهای ناشی از یافته‌های پژوهش

۳- پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در طول سال‌های متمادی از وجود حساب‌برسان مختلف جهت حسابرسی صورت‌های مالی استفاده کنند. - باتوجه به این موضوع که دو نوع مدیریت سود، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی می‌تواند در بورس ایران مطرح باشد به استفاده - کنندگان اطلاعات حسابداری توصیه می‌شود که به مقوله رشد شرکت و وجود حساب‌برسان با کیفیت، با توجه به معیارهای مطرح شده برای آن (دوره تصدی حساب‌برس و اندازه شرکت) دقت نمایند.

۲-۳-۵ پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

باتوجه به اهمیت پدیده مدیریت سود به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های بیشتر و با در نظر گرفتن جوانب دیگر به روشن شدن این موضوع کمک نماید. این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی جهت پژوهش‌های بعدی قرار گیرد. بررسی تک تک عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود، می‌تواند موجبات درک بیشتر مفهوم و اهمیت مدیریت سود را فراهم آورد. آنچه پیشنهاد می‌شود شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- باتوجه به اینکه در این پژوهش از مدل کازنیک برای محاسبه اقلام تعهدی استفاده شده، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر مدل‌ها برای برآورد اقلام تعهدی استفاده گردد.
- ۲- از آنجایی که استقلال حساب‌برس نیز ممکن است در تعیین مدیریت سود تاثیرگذار باشد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی موضوع استقلال حساب‌برس نیز در تعیین مدیریت سود مدنظر قرار گیرد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ارتباط بین اندازه حساب‌برس و استقلال حساب‌برس بررسی گردد.



جدول ۵-۳: نتیجه گیری کلی

نتیجه	شرح	فرضیه
رد فرضیه	بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معنی داری وجود دارد.	فرضیه اول
رد فرضیه	بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.	فرضیه دوم

جهت آزمون فرضیه دوم که می‌گوید بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام واقعی رابطه معنی داری وجود دارد، در این فرضیه به علت معنی داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از مدل پانل دیتا استفاده شده است. نتایج این آزمون Z نشان می‌دهد که به دلیل اینکه سطح خطای آن برای متغیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از ۵ درصد کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که، بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.

۴-۵ محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که در اجرای این پژوهش وجود داشته و در تعبیر و تفسیر نتایج پژوهش و قابلیت تعمیم آن بایستی مورد ملاحظه قرار گیرند به شرح زیر است: در این پژوهش سعی شده است متغیرهای مورد بررسی که به واسطه تحقیقات و مطالعات صورت گرفته، شناسایی شده است در برازش مدل رگرسیون مورد استفاده قرار گیرد. اما با توجه به وجود عوامل مداخله گر دیگر، از جمله عوامل رفتاری سهامداران، عامل تورم و سایر عوامل اقتصادی خرد و کلان در سطح شرکت‌ها و جامعه، که به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات در برازش مدل رگرسیون مورد استفاده قرار نگرفته است، می‌توان این عوامل را از جمله محدودیت‌های پژوهش دانست.



منابع و مأخذ

- ۱- انصاری، عبدالمهدی، دری سده، مصطفی، نرگسی، مسعود، ۱۳۹۲ " بررسی تاثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، " یازدهمین همایش ملی حسابداران رسمی، ۱۳۹۲.
- ۲- آقایی، محمدعلی، آذر، عادل و جوان، علی اکبر، (۱۳۹۱)، " بررسی رابطه جایگزینی دستکاری فعالیت های واقعی و دستکاری یا اقلام تعهدی اختیاری، " پژوهش های حسابداری مالی، ۱۳۹۱، ص ۶۱-۷۸.
- ۳- آقایی، چالاکی (۱۳۸۸) " ویژگی های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران " فصلنامه علوم مدیریت ایران شماره ۱۳۸۸ دوره ۴ شماره ۱۶ صفحه ۲۷-۵۳.
- ۴- بنی مهدو همکاران " مدیریت سود و اظهار نظر حسابرسی شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی " نشریه حسابداری مدیریت شماره تابستان ۱۳۹۳ دوره ۷ صفحه ۱۷-۳۲.
- ۵- بهارمقدم و کوهی " بررسی نوع مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " نشریه دانش حسابداری، پاییز ۸ دوره ۱ شماره ۳ ص ۷۵-۹۳.
- ۶- حساس یگانه، و علی جعفری، ۱۳۸۵، " عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی "، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۰، صفحه ۷۱-۹۴.
- ۷- داوودلونی مومنی (۱۳۹۷) " تبیین رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران " پژوهش های جدید در مدیریت حسابداری شماره ۳۸ ص ۱۳۵-۱۵۶.
- ۸- سجادی، سیدحسین و مهدی عربی، (۱۳۸۹)، تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، حسابدار رسمی، دوره ششم، شماره ۱۰۴، ۱۲-۱۰۸.

۹-لاری دشت بهار"بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل باحق الزحمه حسابرسی" (۱۳۹۶) دوره ۲۴ شماره ۱ صفحه ۸۱-۱۰.

۱۰-لقمان، پاکروان (۱۳۹۱) "حسابرسی زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر" روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۷ ص ۲۲-۳۲.

۱۱-نیکخواه آزاده، (۱۳۷۷) "قانون وقانون های بورس میزان استفاده از تکنیک های مالی پیشرفته در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه بررسی حسابداری و حسابرسی سال نهم شماره ۲۹ پاییز ۷۸ ص ۴۵-۴۹.

۱۲-ولی زاده ولاریجانی، رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران.

۱۳-قلی زاده گتایی "مقاله مدیریت بورس تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۹۵.

۱۴-حدادی منصوری فلاحی ۱۳۹۰ "رابطه بی کیفیت حسابرسی بانسبت نقدینگی مقاله دوره ۷ شماره ۲۸ زمستان ۹۴ ص ۵۷-۷۴.

۱۵-مجتهد زاده، و پروین آقایی، ۱۳۸۴، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، صفحه ۵۳-۷۶.

M.Alhadab (2015), "The Impact Of AuditQuality On Real and Accrual Earnings Management around IPOs".

Carcello, j. v ., Nagy, A.L . 2004 . "Client size, auditor specialization and fraudulent financial reprting". Managerial Auditing Journal 19, 651- 668

Chambers, D. Payne, J. 2008 . "AdiutQualiti and accrual Anomaly . Working Paper", Available at SSRN :<http://ssrn.com/abstract=1136787>

Chambers, D. Payne, J. 2008 . "AdiutQualiti and accrual Reliability": Evidence from the Pre-and Post – Sarbanes-Oxley Periods. Working Paper, Available at SSRN :<http://ssrn.com/abstract=1136787>

Chen,K,LinLin,K,Zhou,J, 2005," Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO firms",Managerial Accounting Journal ,vol,20,No,1, pp.86-104

Deangelo,L,E,1981."Auditor Size and Audit Quality". Journal of Accounting and Economics,Vol,3,No,3,pp.183-199

Fallatah, Y . 2006. "The role of Asset Reliability and Audit Quality in Equity Valuation". A thissubmitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Florida Atlantic Univercity.

Tendello.B.,Vanstraelen .A,2008,"Earnings Management and Audit Quality in Europe:from the Private Client segment", European Accounting Review, vol,17,No,3,pp447-469.

Zang,A,Evidence on te Tradeoff between Real Manipulation and Aggrual Manipulation,Working paper,Universiy of Rochester,2007 Kim.

